

چرا «کارگاه‌های نمایش»، منتهی به اجرا نمی‌شوند؟ کارگاه‌های بی‌مکان



احسان زیور عالم

کارگاه نمایش مورد جذابی است که طی دو سال گذشته همواره در تکیا برای یافتن نقش و اهمیت آن در تئاتر ایران بوده‌ام. در گفتگو با چهره‌های مختلف کارگاه که هنوز نقاب خاک بر چهره نکشیده‌اند، درباره چگونگی شکل‌گیری این نهاد مهم هنری ایران مدرن پرسیده‌ام و اساساً یک تصویر ثابت ارائه شده است. طی یک فراخوان نه‌چندان عمومی، چند جوان جوانی هنر، برای حضور در دو اجرا متعلق به شهر و خردمندو خجسته کیا وارد یک فاز آموزشی می‌شوند. ترکیب هنر جوان شامل دانشجویان دودانشکده هنرهای زیبا و دامادانیک و چند چهره بدون سابقه هنری مشخص است. همه چیز در یک پوسته آماتوری نهفته است. این دو گروه بعدها با اعضای نمایش «پژوهشی ژرف و سترگ در سنگ‌واره‌های قرن بیست و پنجم زمین‌شناسی یا چهاردهم، بیستم فرقی نمی‌کند» به کارگردانی آربی اوآسیان هسته نهایی کارگاه نمایش را بر عهده می‌گیرند. نام کارگاه نمایش خود نشانه‌ای صریح از ماهیت آن می‌شود. کارگاه نه یک آموزشگاه برای دریافت مدرک است و نه یک فضا برای نمایش دادن در قداقت حرفه‌ای. کارگاه همان چیزی است که شاید امروز با عبارت «از ایده تا اجرا» تبلیغ و ترویج می‌شود؛ اما چرا هیچ‌یک از این دارندگان برچسب «از ایده تا اجرا» موفق به تبدیل شدن به کارگاه نمایش نمی‌شوند؟ آیا خجسته کیا یا شهرو خردمند در آن روزگار صاحب توانایی خارق‌العاده بودند که امروز مدرسان این کارگاه‌ها از آن‌ها بی‌هستند؟ یا آنکه هنر جوان این کارگاه مشهور از انگیزه‌ها و توانایی‌هایی بهره‌مند بودند که نسل جدید از آن

تهی شده‌اند؟ پاسخ مستلزم بررسی وضعیت امروز است. برایم پرسش‌هایمانی مطرح شد که نمایش «ص.ع.» را به همراه چند دانشجوی رشته تئاتر در تماشاخانه هیلاج دیدم. نمایشی که برآمده از یک کارگاه بازیگری است و در معرفی اثر هم مطالب قابل توجهی ارائه شده است. «ایسوس راسیاتی به جرم قتل تینکاسینیوس سلاس دست‌بند به دست دادگاه قرار دارد، چند سست رقص، چند سست استندآپ و یک میم مدرن می‌بیند. (که شما می‌بینید) در ذهنش زیباترین زنی که می‌تواند تجسم کند برایش قصه می‌گوید. (که شما می‌بینید) یک جاهم گریه می‌کند.» این خلاصه‌ای است که گروه از محتوای نمایش خود ارائه داده است،

آموزش تئاتر همانند بسیاری از موارد دیگر جهان تئاتر - منتهای ممیزی - از جنگ دولت خارج شده است و به نظر می‌رسد تنها راه حل مثبت برای رسیدن به رویه‌های مثبت مکان‌مندی کارگاه‌های نمایش باشد

می‌تواند سرگبچه‌آور باشد. البته ادامه معرفی هم قابل توجه است. نویسنده معرفی از واژه‌هایی چون واقع‌گرا، اکسپرسیو (که باید معادل بیانگر فارسی باشد)، هارور (که احتمالاً اشاره به واژه وحشت دارد) استفاده می‌کند و می‌گوید در عین داشتن ویژگی‌هایی دال بر این واژه‌ها، اما اثرشان ارتباطی با این واژه‌ها ندارد و البته مهم‌ترین مسأله جمله‌نهایی است «تعیین اینکه این اثر چیست یا تو. ما، یعنی گروه تولید تئاتر مربع، در توضیح این اثر فقط میتوانیم بگوییم (تا تسقف توانایی ممکن ما) ص.ع. تئاتری خوش کیفیت است.» نوشتار مذکور و اجرایی که تماشا کردم می‌تواند ورودی باشد برای این مسأله که چرا این نمایش کارگاهی نمی‌تواند به یک «کارگاه‌نمایش» ختم

شود. فارغ از اینکه پس از تماشای نمایش و خواندن متن نمایشنامه بیشتر از پیش از مشوش بودن نمایش و البته نزدیک بودن اثر به مانیفست مندرج در سایت تیوال پی بردم؛ اما واقعیت تلخ‌تر آن است که کارگاه‌هایی از این دست منتهی به یک فرآیند تراژیک می‌شوند. اگر چه می‌دانیم نمایش «ص.ع.» محصول آماتور بودن بازیگران و گروه اجرایی است و آنها در تجربه نخستین خود، بر یک اینرسی بزرگ غلبه می‌کنند؛ اما آیا این موضوع برای تمامی مخاطبان نمایش روشن و معلوم است؟

همه چیز از جایی شروع می‌شود که یک عاشق بازیگری تمنای آموزش می‌کند و در هزار توی تبلیغات آموزشگاه وارد یکی از دوره‌های «از ایده تا اجرا» یا «از تمرین تا اجرا» می‌شود. اوسه تا شش ماه زیر نظر یک نفر - که نقش کارگردان را بر عهده خواهد گرفت - چیزی، چه مثبت و چه منفی، می‌آموزد و در نهایت برای حضوری چند دقیقه‌ای روی صحنه احساس رضایتی از حضور در یک پرسه طولانی کسب می‌کند؛ اما به محض پایان نمایش همه چیز تمام می‌شود. هنر جوهری می‌شود و او باید در پی کارگاهی دیگر و نمایشی دیگر، وارد هزار توی تبلیغات شود. در طول پنج سال گذشته، بازیگران متعددی دیده‌ام که از یک کارگاه به کارگاه دیگر کوچ کرده‌اند و هنوز در قامت‌سباهی لشکران اجرا خودنمایی می‌کنند. بزرگ‌ترین اقبالشان آن است که نمایش ترکیبی از مونولوگ‌ها باشد تا هم رخی بنماید و هم کلامی منعقد کند؛ اما او در یک دور باطل اسیر شده است.

کارگاه‌نمایش می‌توانست به چنین فضای در دناکی تبدیل شود؛ اما یک عامل مهم مانع از فروپاشی آن شد: مکان‌مند بودن. تئاتر امروز ایران با بحران مکان و هویت مکانی روبه‌رو است. تقریباً هیچ‌یک از کارگاه‌های چندساله اخیر، با وجود چهره‌های شناخته‌شده موفق به

ایجاد یک هویت مکانی نشده‌اند. فقدان مکان به معنای از دست رفتن سرمایه انسانی است. بی‌شک اگر کارگاه‌نمایش در ساختمان مرحوم جانبازیان شکل نمی‌گرفت، خبری از آتیلا پسیانی و صدرالدین زاهد نبود. رشد شخصیتی چون رضا زینان یا اسماعیل خلیج در تداوم حضور ششان در یک مکان خورده است. تداوم در کار و فعالیت این گروه را تنها معطوف به بازیگری نکرد، آنها دست به قلم شدند و از دلشان رضا قاسمی و عباس نعلبندیان ظهور کردند، اما در دل کارگاه‌صغر دشتی یاصابر ابر، چنین مهمی پدیدار نمی‌شود. بدتر از همه آنکه مدرس، چه ماهر و چه آماتور، به سبب سرگردانی توانایی تمرکز در روش آموزشی خود ندارد و پراکندگی و فقدان انسجام در آموزش، موجب هدررفت طبع و ذوق و توان هنری هنرجوی می‌شود.

در سال‌های اخیر دولت برای کنترل کارگاه‌های آموزشی قوانین عجیب و غریبی تدارک می‌بیند و حتی مدعی می‌شود برخی از این کارگاه‌ها منجر به اتفاقات ناگسوار از جمله تعرض و اهانت فردی شده است. نگارنده از وجود شکایت‌هایی در این باره آگاه است؛ اما دولت توانایی کنترل این مهم را ندارد. آموزش تئاتر همانند بسیاری از چیزهای دیگر جهان تئاتر - منتهای ممیزی - از جنگ دولت خارج شده است و به نظر می‌رسد تنها راه حل مثبت برای رسیدن به رویه‌های مثبت مکان‌مندی کارگاه‌های نمایش باشد. شاید برای یک بار لازم است علیه افسانه‌ای بی‌سند درباره گذشته کارگاه‌نمایش مفصل حرف زده شود؛ کما اینکه طبق پژوهش نگارنده، افسانه فاسد بودن کارگاه محصول چهره‌های تند چپ‌گرایی است که این روزها منفران نظام به حساب می‌آیند. با این حال، یافتن اهمیت مکان زمانی مهم می‌شود که رویه مذکور جز هدررفت کیفیت تئاتر در مسیر کنونی را پیش روی ما نخواهد گذاشت.

پرده نقره‌ای

اثر تدوینگر ایرانی در بین نامزد های فیلم کوتاه اسکار



سینا نوربخش



فیلم «هنگامی که خورشید غروب می‌کند» با تدوین مجتبی میرشکاری در بین نامزد های اولیه بهترین فیلم کوتاه آکادمی اسکار قرار گرفت. این فیلم به کارگردانی پومی موزار و تهیه‌کنندگی کریستین چو؛ تا به اینجا در فستیوال‌های معتبر کلر مونت بفتا استین نشویل و دورین حضور داشته است.

این اثر همچنین در فستیوال امریکن بلک فیلم، موفق به دریافت جایزه HBO شد و از آن پس، این کمپانی به عنوان پخش‌کننده بین‌المللی فیلم مزبور اعلام شد. گفتنی است «هنگامی که خورشید غروب می‌کند» موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم دانشجویی از آکادمی اسکار شده و اکنون نیز در فهرست پخش رقابتی سال ۲۰۲۲ قرار گرفته است. مجله ویرایتی در پیش‌بینی اخیر خود در مورد برندگان جوایز سال ۲۰۲۲ اسکار این فیلم را یکی از دو اثری که بخت برنده شدن جایزه بهترین فیلم کوتاه دارند، اعلام کرده است. «هنگامی که خورشید غروب می‌کند»، داستان پرستاری است که در سال ۱۹۸۵ (دوره آپارتاید آفریقای جنوبی) در پی غیبت برادرش که یک فعال سیاسی است باید با بزرگترین ترس خود روبرو شود. ناگفته نماند مجتبی میرشکاری تدوینگر ایرانی این فیلم از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد رشته سینما از دانشگاه سوره و از هنر جوان مؤسسه کارنامه مؤسسه بامداد و استادی همچون هایده صفی یاری و شهرام مکرری بوده است. میرشکاری پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد فیلمسازی با گرایش تدوین از دانشگاه چپمن کالیفرنیا مشغول به کار تدوین فیلم‌های بلند و کوتاه در معتبرترین استودیوهای لس‌آنجلس است.

جهان نما

هم‌زمان با تشدید تنش میان روسیه و غرب روی داد؛ حرکت ناوهای هلند و دانمارک به سمت بالتیک



به گفته تلویزیون ملی فنلاند، ناو و هلندی روتدام را به دریای بالتیک فرستاده است. به گزارش خبرگزاری دولتی استونی، این ناو اکنون در جنوب جزیره بونهلوم در دانمارک قرار دارد. سخنگوی ناو گفت: این جایگیری از پیش تعیین شده است و آن‌ها آنجا هستند تا حضور خود و هم‌بستگی تمامی ائتلاف را نشان دهند. هفته گذشته سه کشتی روسی وارد دریای بالتیک و تنگه دانمارک شدند. سوئد که عضو ناو نیست، در روز جمعه به این اقدام واکنش نشان داده و حضور نظامی اش در جزیره گاتلند در دریای بالتیک را تقویت کرد. این اقدامات در حالی صورت می‌پذیرد که روسیه حدود ۱۰۰ هزار سرباز را در مرزهای اوکراین مستقر کرده و تنش‌ها را در منطقه افزایش داده است. متخصصان می‌گویند ممکن است روسیه در تدارم حمله دیگری به اوکراین باشد. دانمارک نیز تا اواخر ماه جاری یک ناوچه گشتی به به همراه ۱۶۰ خدمه را به دریای بالتیک و چهار فروند جنگنده اف-۱۶ و ۷۰ سرباز را به لیتوانی اعزام می‌کند؛ انتظار می‌رود این تجهیزات و نفرات، حداقل به مدت سه ماه در این مناطق بمانند. سفیر دانمارک در استونی گفت، دانمارک با تقویت توان دفاعی خود در دریای بالتیک، به اقدامات روسیه نسبت به اوکراین واکنش نشان می‌دهد.

اردوغان از ریزنی‌های گسترده برای سفر رئیس رژیم صهیونیستی به ترکیه خبر داد؛

پیوستن قریب الوقوع آنکارا به قطار ابراهیم



فری شاد گلزاری

این روزها در رسانه‌های پیش از هر زمان دیگری نام ترکیه‌رامی شنویم که البته چندان غیرعادی نیست. اساساً اتصال رسانه به کانون‌های قدرت و همچنین ارتباط آن با اتاق‌های فکر، طرحی است که دهه‌ها توسط کشورهای غربی به اجرا درآمده و متأسفانه در کشور ما این مسأله همچنان مامغول است یا اینکه اجرای آن درست و بر اساس مولفه‌های استراتژیک و اهداف مورد نظر انجام نشده است. بر همین اساس در مورد ترکیه هم این موضوع را به صورت کاملاً مشهود، لمس می‌کنیم و مخابره سیاست‌های این کشور در نظام بین‌الملل، موضوعی است که اخیراً نام هم بر جسته شده است. به عنوان مثال چند روزیست که هم‌زمان با تشدید تنش‌های روسیه و غرب بر سر پرونده اوکراین، شاهد آن هستیم که ترکیه و حتی جمهوری آذربایجان، به صورت انفرادی وارد پرونده اوکراین شده‌اند. به عنوان مثال روز گذشته (چهارشنبه) ابراهیم کالین، سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه اعلام کرد که قرار است رئیس جمهوری این کشور طی روزهای آینده به کیف برود و با ولودیمیر زلنسکی، همتای اوکراینی

دیدار کند. حتی اعلام شده که دولت ترکیه از روسای جمهور اوکراین و روسیه هم برای حضور در آنکارا دعوت کرده تا شاید این کشور بتواند اختلاف میان دو طرف را رفع و رجوع کند. اینکه چرا ترکیه در حال ایفای نقش جدید در پرونده اوکراین است، موضوعی است که ابعاد مختلفی دارد و یکی از دلایل آن بدون شک عضویت ترکیه در ناتو است. ترکیه تنها عضو خاورمیانه‌ای و همچنین یگانه عضو مسلمان ناتو به شمار می‌آید و همین موضوع باعث می‌شود تا اهرم‌های زیادی برای بازیگری در عرصه‌های منطقه‌ای و تحسودی فرامنطقه‌ای

آنچه برای اسرائیل و کابینه نفتالی بنت و حتی اسحاق هر تزوگ اهمیت ویژه دارد، این است که بتوانند علنی شدن روابطشان با ترکیه را در قالب توافق ابراهیم به گوش جهانیان برسانند و به نظر می‌رسد این امر به زودی محقق خواهد شد

و نشان از تغییر و تحولات جدید در ساختار سیاست خارجی ترکیه دارد و آن هم پرونده عادی‌سازی و علنی کردن روابط ترکیه و اسرائیل است. چند روز پیش رجب طیب اردوغان در بازگشت از آلبانی در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی در مورد روابط دو طرف گفت که با اسحاق هر تزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی در تماس هستند و او می‌تواند به ترکیه سفر کند. این سخنان اردوغان چند ساعت بعد توسط شبکه عبری زبان کان تکمیل شده به گونه‌ای که این شبکه با استناد به برخی از منابع نزدیک به دولت اسرائیل اعلام کرد که رایزنی‌های

پیشرفته و گسترده‌ای میان تل‌آویو و آنکارا درباره سفر احتمالی اسحاق هر تزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی به ترکیه در دست انجام است، ولی این شبکه و منابع آن هیچ تاریخ دقیقی برای این سفر اعلام نکرده‌اند.

پیوستن ترکیه به توافق ابراهیم

طبق گزارش شبکه کان، در تماس تلفنی میان هر تزوگ و اردوغان برای این سفر از وی دعوت شده و احتمالاً سفر متقابلی هم وجود دارد، اما در این میان به نظر می‌رسد که ترکیه یک نوع عقب‌نشینی از منافع خود را در دستور کار قرار داده است. به عنوان مثال ترکیه در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ بیشتر در حضور راد لیبی و مدیترانه شرقی داشت و حتی به دنبال اکتشاف نفت و گاز در پهنه سواحل قبرس رفته بود و در این مسیر نه تنها فرانسسه، بلکه یونان هم صدایش در آمد. در سال ۲۰۲۱ میلادی کمتر خبری از حضور ترکیه در این مناطق مخابره شد که نشان می‌دهد آنکارا تا حدی عقب‌نشینی کرده است. سندانین ادعا را هم می‌توان سخنان سه‌شنبه شب اردوغان در بازگشت از آلبانی دانست. اردوغان با اشاره به روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه و احتمال همکاری با اسرائیل در مدیترانه شرقی اعلام کرد این هدف، احراز پیشرفت از طریق تماس‌های مثبت است و اگر این مسأله بر اساس سود متقابل باشد، هر آنچه لازم باشد انجام خواهیم داد. این مواضع اردوغان نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها هم در شرف مدیترانه بر منافع خود تأکید دارند و حالا ترکیه برای اینکه بتواند در مسیر تأمین

اشاره رئیس جمهوری ترکیه به احتمال سفر رئیس اسرائیل به آنکارا از آن جهت اهمیت دارد که آنکارا عملاً به دنبال تأمین منافع خود در مدیترانه شرقی است و تل‌آویو هم منافع در این موقعیت دارد که با سیاست ترکیه در تضاد است

منافعش قدم بردارد، به نوعی سعی می‌کند تا به تل‌آویو نزدیک شود، اما این تمام ماجرا نیست. ترکیه اولین کشور مسلمان بود که در سال ۱۹۴۹ اسرائیل را به رسمیت شناخت و از آن روز تا کنون علیرغم نمایش‌های سیاسی در ادوار مختلف، روابط اقتصادی و امنیتی مستحکم میان دو طرف برقرار است. میت و موساد بارها به هم پرونده‌های مشترک داشته‌اند و از سوی دیگر اسرائیل سال‌های سال است که در اقتصاد و تورسیم ترکیه، ریشه دوانده و ارتباط میان دو طرف در اصل علنی و آشکار بوده است. در این میان آنچه برای اسرائیل و کابینه نفتالی بنت و حتی اسحاق هر تزوگ اهمیت ویژه دارد، این است که بتوانند علنی شدن روابطشان با ترکیه را در قالب توافق ابراهیم به گوش جهانیان برسانند. در حقیقت تل‌آویوسی دارد تا پس از یک سکون نسبی در توافق ابراهیم، قطار عادی‌سازی را این بار وارد آنکارا کند که به زودی این اتفاق می‌تواند رخ دهد.